

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسونوف*(Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۷ مارچ ۲۰۱۵

بستن انجمن تثبیت طلای لندن نشانه تحول بنیادی در نظام مالی جهان

اعلام پایان کار انجمن تثبیت طلای لندن - نظام تثبیت قیمت فلز زرد از ۲۰ مارچ یکی از اهم اخبار هفته گذشته بود. این نظام در سال ۱۹۱۹ ایجاد شده بود که نتوانست حیات خود را به یک قرن برساند. اصول عملیاتی تثبیت قیمت طلا بسیار ساده بود: قیمت فلز گرانبها در دیدارهای چند تن از منتفذین بازار طلای لندن از طریق صدور فرمان فروش فلز و خرید آن تعیین می گردید. قیمت آن هنگامی تثبیت می گردید، که حجم کل اعلام شده برای فروش و خرید طلا برابر و به اصطلاح تعادل برقرار می شد. پنج کمپانی و بانک عضو انجمن بازار فلزات گرانبهای لندن در تثبیت قیمت طلا در بازار لندن شرکت داشتند. کمپانی تثبیت بازار طلای لندن (با مسؤلیت محدود) عهده دار امور اداری تثبیت بازار طلا بود.

در طول دهه های زیادی تصور می شد، که انجمن تثبیت طلای لندن، ابزار ایده آل قیمتگذاری در بازار جهانی طلا می باشد. نرخهای تثبیت طلای لندن در سراسر جهان، مقدم بر همه، برای برقراری قیمت فلز در قراردادهای انتقال فیزیکی آن مورد استفاده واقع می شد. به این نرخها معاملات با ابزارهای مشتقه مالی بر اساس طلا (طلای به اصطلاح کاغذی) نیز گره زده می شد. نرخها همچنین برای محاسبه موجودی طلای پولی و ارزیابی بدهی ها و مطالبات وابسته به فلزات گرانبها (مثلاً، سپرده های بانکی محاسبه شده بر اساس طلا) استفاده می شد.

در خصوص کمبودهای مکانیزم قیمتگذاری مورد بحث معمولاً سخنی گفته نمی شد، و در عین حال با گذشت زمان، به ویژه در دوره ۱۰ - ۲۰ سال اخیر، مسائل هر چه بیشتری در ارتباط با عملکرد انجمن تثبیت طلای لندن به میان می آمد.

از هنگام برچیدن نظام برتون - وودز در سالهای ۱۹۷۰، طلا به لحاظ قانونی اجرای وظیفه فلز پولی را کنار گذاشت و به یک کالای معمولی در بازارهای بورس تبدیل گردید. انجام معاملات تجاری با طلا (و قیمتگذاری با فلز) در حالت معاملات کالائی عادی در بازارهای بورس می توانست منطقی تر باشد. انجمن تثبیت طلای لندن در دهه های اخیر بسیار بیمورد و به مثابه روبنای کهنه، گاهی به عنوان مکمل و گاهی به سان جایگزین در معاملات معمولی بازارهای بورس فلزات رنگی و گرانبه به نظر می رسید.

خردمندترین کارشناسان تأکید می نمایند، که انجمن تثبیت طلای لندن ابزار مورد علاقه روچیلدها برای نظارت بر بازارهای طلا بود. به طوری که واضح است، استاندارد طلا در سایه تلاشهای روچیلدها در قرن نوزدهم ایجاد گردید.

این خانواده پس از جنگهای ناپلئون بخش عمده طلای اروپا را در دستان خود متمرکز نمود و از استاندارد طلا به طرز افسانه‌ئی ثروت اندوخت، به طوری که تقاضای مداوم به فلز گرانبه‌تر به وجود آورد. به خصوص این که روچیلدها این فلز را به بانکهای مرکزی و خزانه داری کشورهای مختلف جهان فروختند، بلکه به شکل وامهای طلا اعطاء کردند. جنگ جهانی اول عملکرد مکانیزم استاندارد طلا را موقتاً متوقف نمود. اما روچیلدها به تشویش نیفتادند و در سال ۱۹۱۹ انجمن تثبیت طلای لندن را برای ادامه نظارت بر بازارهای جهانی طلا به کمک مکانیزم آن تشکیل دادند.

بانک ان. ام. روچیلد و پسران لندن که در اوایل قرن نوزدهم توسط **ناتان روچیلد** تأسیس گردید، عضو اصلی در میان پنج عضو متنفذ انجمن تثبیت طلای لندن محسوب می‌شود. بقیه اعضای «پنج طلائی» نیز با رشته‌های نامرئی با قبیلۀ روچیلدها پیوند دارند. می‌توان گفت انجمن تثبیت طلای لندن کسب و کار خانوادگی روچیلدها بود. درست است که **بانک ان. ام. روچیلد و پسران** در سال ۲۰۰۳ از انجمن تثبیت طلای لندن خارج شد، اما این بدان معنا نبود که روچیلدها از طلا دست کشیدند. آنها به صورت نامرئی انجمن تثبیت طلای لندن را مدیریت کردند. اما در آن هنگام اشکال مختلف سوءاستفاده در بازار فلز زرد صورت گرفت. احتمال خروج اوضاع از زیر نظارت همراه با بروز رسوائی جهانی هر لحظه وجود داشت. به منظور آلوده نشدن به لجن، این «نابغه‌های مالی» (روچیلدها) (به پشت پرده رفتند. در همان سال ۲۰۰۳ اتفاقات جالب توجه بسیاری در جهان طلا روی داد که راه‌های درز اطلاعات مربوط به آنها را رسانه‌های تحت کنترل روچیلدها بشدت مسدود کردند. به عنوان مثال، درست در همان زمان اولین معامله با به اصطلاح «طلای تنگستن» انجام گرفت، اما موضوع جنجال «طلای تنگستن» تنها پس از گذشت ده سال به صفحات اول رسانه‌های جهانی راه یافت.

انحلال انجمن تثبیت طلای لندن با آن بازی بزرگی که «صاحبان اصلی پول» - **طایفه روچیلدها و راکفلرها** - می‌کنند، مرتبط است (هم این و هم آن جزو سهامداران اصلی بانک فدرال رزرو امریکا می‌باشند). در این بازی، روچیلدها بر روی طلا و راکفلرها بر روی دلار، به عنوان ارز جهانی که ماشینهای بانک فدرال رزرو چاپ می‌کنند، تمرکز کرده‌اند. توازن قوا عیبین دو «صاحب اصلی پول» (آن دو، هم شریک و هم رقیب هستند)، بر اساس «دلار - طلا» مشخص می‌گردد. واضح است، که نرخ فلز زرد گاهی اوقات شدیداً کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که قیمت طلا در اوایل سالهای ۱۹۸۰ به حداکثر خود رسید (هر اونس تروییکا ۸۵۰ دلار)، بازار به طور کلی نزدیک هم نشد. زیرا، سخن بر سر قیمت مقایسه‌ئی بود، نه بر سر قیمت اسمی که از مدتها قبل، از ۱۰۰۰ دلار بی ارزش گذشته بود. از اینجا چنین مستفاد می‌شود که انگار نتیجه بازی به نفع راکفلرها و به تضعیف موقعیت روچیلدها تمام شد. اما واقعیت این است که این فقط یک شگرد تاکتیکی و عقب نشینی موقت روچیلدها به منظور برد ستراتژییک در مقابل راکفلرها بود.

نشانه‌های غیرمستقیم زیادی در این باره وجود دارد، که روچیلدها در بازی کاهش نرخ طلا بدین منظور شرکت کردند که به طور خودکار به تقویت دلار منجر گردید، اما این یک مازوخیسم مالی نیست. روچیلدهای در طول دو دهه اخیر با بهره‌گیری از روشهای سایه‌ئی و جنائی، فلز گرانبه خریدند و به همین دلیل هم آنها طبیعتاً به کاهش حداکثری قیمت طلا تن دادند. اما این، در عین حال، کارکرد انجمن تثبیت طلای لندن بود. طلا را از منابع مختلف بیرون کشیدند، اما منابع اصلی آن ذخایر طلای بانکهای مرکزی و خزانه داریهای کشورهای مختلف جهان بودند. بیشترین اندوخته‌ها، ذخیره خزانه داری امریکا (طبق داده‌های رسمی، ۸۱۰۰ تن) بود که در **فورت ناکس** نگهداری می‌شد. خزانه فورت ناکس بیش از شش دهه مورد بازرسی قرار نگرفته است و احتمال این که کسی وجود آن ۸ هزار تن طلا ثبت شده در اسناد رسمی بانک فدرال رزرو و وزارت دارائی امریکا را در آنجا تأیید نماید، به باور من، بسیار کمتر از ۱ درصد است. ارزیابی سناتور **ران پل**، یکی از فعالترین منتقدان حاکمیت پولی امریکا از این میزان نیز کمتر است.

واقعتهای زیادی از تقلب در باره طلا گواهی می دهند که بانک فدرال رزرو، خزانه داری امریکا، بانک انگلیس، بسیاری از بانکهای وال استریت و لندن سیتی، «پنج طلائی» انجمن تثبیت قیمت طلای لندن و دیگران در این تقلب بزرگ شرکت داشتند. در آغاز دهه جاری بدنام کردن معاملات با طلا به حدی شدت گرفت که ارگانهای نظارت و کنترل بر امور مالی امریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا به نوعی مجبور به عکس العمل شدند. بلافاصله پس از اولین موج بحران مالی جهانی علیه بانکهای دارای «مصونیت» وال استریت، لندن سیتی، فاره اروپا، تحقیقاتی به ظن سوءاستفاده آغاز گردید. دستکاریهای بانکها با درصد بهره بین بانکی لندن و نرخهای ارز، پرهیاهوترین جنجالها بود. احکام به حد کافی شدید صادر گردید، بانکها جرایم و غرامتهای میلیاردی پرداختتند. بررسی تقلبات احتمالی با طلا معوق ماند (بازارهای طلا - مقدس ترین مقدسات در نظام مالی جهان بودند)، اما بالاخره کار به انجمن تثبیت قیمت طلای لندن کشید.

سال گذشته هنگامی که بوی کباب به مشام رسید، اعصاب یکی از «پنج طلائی» تاب نیاورد. سخن از بانک المان در میان است. این بانک سعی کرد جای خود را به انجمن تثبیت طلای لندن بفروشد، اما خریداری پیدا نشد. بانک المان انجمن تثبیت قیمت طلای لندن را در ماه اگست سال ۲۰۱۴ بزدلانه ترک نمود. به جای «پنج طلائی» برای اولین بار «چهار طلائی» پدیدار گشت. اینها عبارت بودند از: اسکوشیا موکاتا، اچ. اس. بی. سی، سوسیته جنرال، بارکلیس کاپیتال (Barclays Capital، Societal General، HSBC، Scotia Mocatta) . حتی قبل از این تنظیم کننده مالی انگلیس، رفتار قدرتهای مالی (Financial Conduct Authority) تحقیقات پیرامون بارکلیس کاپیتال را آغاز نمود. دولت وقت انگلیس سعی کرد هیاهو پیرامون جریمه ناچیز و مضحک تعیین شده برای بانک تحت کنترل روچیلدها - بانک بارکلیس (در حدود ۳۰ میلیون یورو) را بخواباند.

نهادهای مالی سوئیس و المان نیز پیرامون تقلبات در بازار طلا به تحقیقاتی دست زدند. در میدان دید آنها نه تنها بانکهای عضو انجمن تثبیت قیمت طلای لندن، حتی بازیگران بزرگ دیگری در بازارهای فلزات رنگی (طلا، نقره، پلاتین) مشاهده شدند. معلوم گردید، که این بازیگران از یکسو، با بانکهای عضو انجمن تثبیت قیمت طلای لندن، از سوی دیگر، با بانکهای مرکزی برخی کشورها و همچنین با بانک محاسبات بین المللی رابطه تنگاتنگ داشتند. اطلاعات به درجه انفجاری رسیده بود. به عقیده من، این مسأله موجبات تسریع انحلال انجمن تثبیت طلای لندن را فراهم آورد.

بسیارها ضمن صحبت در بانه تقلبات «پنج طلائی» (چهار طلائی بعدی)، معلوم نیست که چرا آن را تقلب در قیمت طلا می نامند. البته، در اینجا احتمال دستکاری در قیمت طلا نیز مثلاً، از طریق تنظیم تعداد و حجم سفارشات برای خرید و فروش فلز گرانبه و وجود داشت. تحقیقات انجام شده در مورد تقلب در نرخ های ارز در سالهای ۲۰۱۲ - ۲۰۱۴ نشان می دهد، که در این مورد سفارشات «تنظیم» می گردید، اما معلوم نیست چرا این «تنظیمات» به حوزه طلا نیز تسری نیافت؟ اما در همه حال، مهمترین سوءاستفاده نه دستکاری قیمتها، بلکه عبارت از این بود، که اعضای انجمن تثبیت قیمت طلای لندن صاحبان انحصاری اطلاعات خودی در این باره بودند که قیمت «خروجی» چه خواهد بود. ترتیب حل و فصل مسأله قیمت می توانست از چند دقیقه تا چند ساعت به طول انجامد. حتی اگر یک شرکت کننده بازار طلا چند ثانیه پیش از اعلام رسمی نرخ از جهت گیری قیمت اطلاع می یافت، در این صورت او می توانست پول هنگفتی به جیب بزند. به ویژه با احتساب این که بسیاری از دلالات علاقه مندی وافری به کار با «طلای کاغذی» دارند. (گردش مالی این نوع طلا به چندین برابر بیشتر از گردش فیزیکی طلا در بازار بالغ می شود). به احتمال زیاد، خود روچیلدها با دادن اطلاعات به ساختارهای تحت کنترل خود، از این طریق پولهای کلانی به دست می آوردند.

گفتن این که حوادث بعدی در بازار جهانی به کدام سمت حرکت خواهد کرد، دشوار است. نظام جدید قیمت‌گذاری، بر اساس اطلاعات منتشره، حراج کاملاً شفاف را یادآوری می‌کند، که قرار است به مشتریان هر چه بیشتری اجازه شرکت دهند. گفته می‌شود، که بانکها و شرکتهای چینی شرکت کننده اصلی این «تثبیت گسترده طلا» خواهند بود. اگر این خبر واقعیت یابد، در این صورت قیمت طلا به سرعت افزایش خواهد یافت. در هر صورت، با تنظیم مقررات «تثبیت گسترده طلا» این روند را ضمن اجتناب از بار گزاف می‌توان تنظیم نمود.

بسیاری از نکات پشت پرده تاریخ بسته شدن انجمن تثبیت طلای لندن هنوز روشن نیست. فقط می‌توان حدس زد. یکی از حدسیات این است که خزانه‌های روچیلدها کاملاً با طلا انباشته شده است. آنها به مکانیزم کاهش قیمت فلزات گرانبها دیگر نیاز ندارند. بدین سبب، آنها هم مبتکر اصلی بسته شدن انجمن تثبیت طلای لندن بودند. به لحاظ منطقی چنین است: هر چه سریعتر تله تحت عنوان انجمن تثبیت طلای لندن را جمع کنی، همانقدر احتمال کمی وجود خواهد داشت که کسی به حقه بازیهای کثیف «نوابغ مالی» نقب بزند.

حدس دیگر هم این است، که انباشت تا پایان صورت نگرفته، اما خطر نشأت اطلاعات در خصوص حقه بازیهای کثیف با طلا به شدت افزایش یافته است. انحلال انجمن تثبیت طلای لندن با شتاب و عجله اتفاق افتاد و بر اساس اصول «عقلانیت» عمل کردند.

شق سومی هم وجود دارد. بستن انجمن تثبیت طلای لندن ممکن است نتیجه مجادله بین روچیلدها و راکفلر باشد. راکفلرها تصمیم گرفته اند ضربه را به پاشنه آشیل روچیلدها (انجمن تثبیت طلای لندن) وارد آورند. در باره صحت این شق گفته می‌شود، که در اوایل سال ۲۰۱۵ معلوم گردید، که انجمن تثبیت طلای لندن به کار خود پایان می‌دهد. هنوز امکان فشردن ترمز وجود داشت، اما وزارت دادگستری امریکا به طور غیرمنتظره در ماه فبروری به تحقیقات گسترده ای در رابطه با احتمال تقلب در بازارهای فلزات گرانبها دست زد. حداقل ۱۰ بانک: بانکهای بارکلیس، جی پی مورگان چیس، بانک المان، اچ اس بی سی، کردیت سوئیس، یو بی اس، گلدمن ساکس، سوسایت جنرال، نوا اسکوشیای کانادا و بانک استاندارد افریقای جنوبی مورد سوءظن قرار گرفتند. در فهرست، همانطور که می‌بینیم، هم جی پی مورگان چیس و هم گلدمن ساکس، به ویژه دومی که تحت نفوذ شدید روچیلدها قرار دارد، خودنمایی می‌کنند. در هر صورت، بستن انجمن تثبیت طلای لندن نشانه آن است، که نظام مالی جهانی در نقطه تحولی بسیار جدی قرار گرفته است.

ملاحظات مترجم:

قومی متفکرند در مذهب و دین، جمعی متحیرند در شک و یقین

ناگاه برآورد منادی ز کمین کای بیخبران راه نه آن است و نه این.

«خیام»

در حالی که دو مافیای دالر و طلا - دو «نابغه مالی» راکفلرها و روچیلدها که در طول ثانیه‌ها میلیاردها ثروت بشریت جهان را به خزانه‌های خود سرازیر نموده، اکثریت قریب به همه جامعه بشری را در گرداب فقر، بیکاری، بیماری، گرسنگی، فلاکت و انواع محرومیتها و مفساد و تیره بختیها گرفتار ساخته، کل کره خاک را به ذلالت و تباهی کشانده، به جهنم ساکنانش تبدیل کرده اند، سر «بیخبران» را چنان با بحث و جدلهای بیهوده و پایان ناپذیر گرم کرده اند، که یکی از زمین می‌گوید و دیگری از هوا. «دمکراسی»، «حقوق بشر»، «آزادی بیان» و انواع اصطلاحات و واژه‌های تهی شده از معنی و محتوا را چنان به نقل دهان هر زبان‌الکنی تبدیل کرده اند که کمتر کسی فراغت آن پیدا می‌کند که به بیکاوای فجایع بی سابقه و روزمره جامعه انسانی بپردازد. اگر چند صباح دیگری در جهان بر همین پاشنه بچرخد، پر

بعید نیست که این دو مافیا، به همراه چند مافیای دیگر، از جمله، مافیای جنگ و صنایع جنگی، مواد مخدر و متعلقانشان دوام و بقاء بشر را مورد تهدید جدی قرار خواهند داد و لذا، دیروزمان به بدترین نحوی گذشت و به تاریخ سراسر جرم و جنایت گردن کلفتان جهان پیوست. برای نجات فردایمان واقعیتها را باید همواره بدرستی دید و مبارزه در راه حقیقت، عدالت و آزادی را از همین امروز شدت بخشید.

۶ فروردین - حمل ۱۳۹۴

*پروفسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگنی فیودورویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2015/03/22/zakrytie-londonskogo-zolotogo-fiksinga-priznak-radikalnyh-izmenenij-mirovoj-finansovoj-sistemy-32374.html>